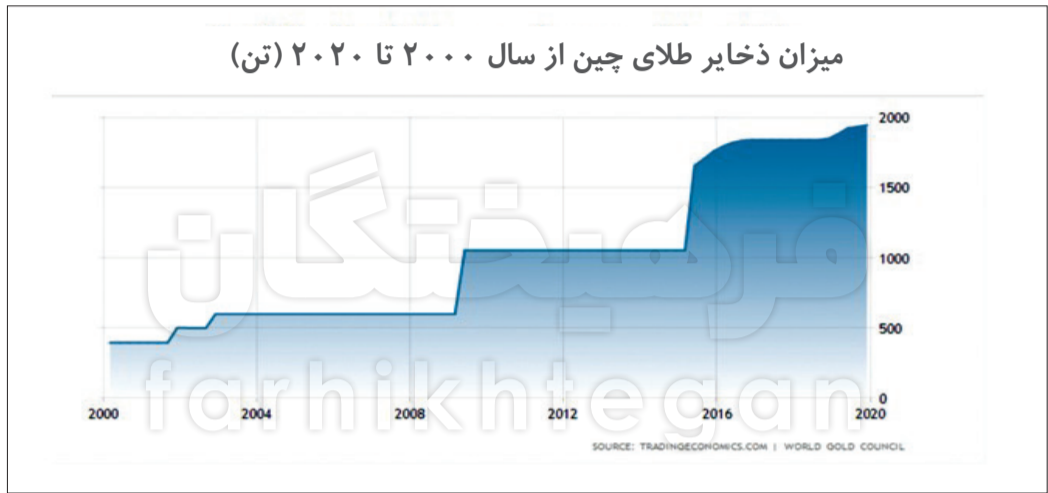
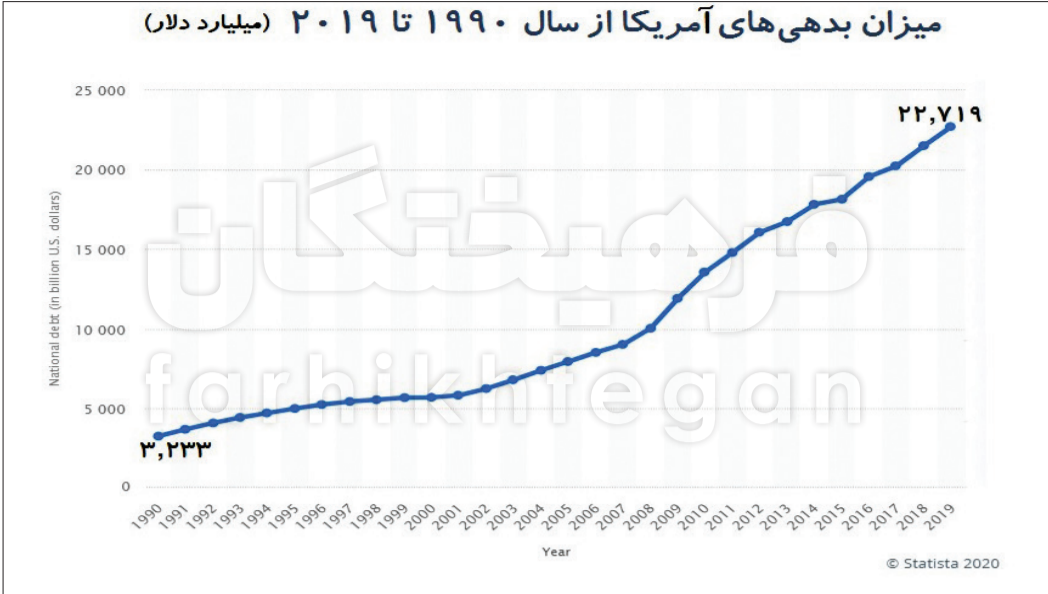




تبعات جهانی کرونا روی اقتصاد دنیا و فرصتهایی که برای ایران ایجاد شد

کرونا ژن اقتصادی دنیا را تغییر می‌دهد؟



ایمان سمعی‌نیا
پژوهشگر دفتر مطالعات دیپلماسی اقتصادی دانشگاه امام صادق (ع)

این روزها ویروس کرونا به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جهانی مبدل شده، هر روز به نرخ رشد شیوع آن افزوده می‌شود و افراد بیشتری در سرتاسر جهان بدان مبتلا می‌شوند. در حالی که دوونیم ماه طول کشید که این ویروس ۵۰۰ هزارنفر را در جهان مبتلا کند، اما حالا طی ۲۰ روز اخیر حدود ۱/۵ میلیون نفر به تعداد مبتلایان به کرونا در جهان افزوده شده و در آخرین گزارش‌های جهانی، تعداد مبتلایان به حدود ۲/۶ میلیون و مرگ‌ومیر ناشی از آن به بیش از ۱۷۸ هزار نفر رسیده است. شیوع بیشتر ویروس کرونا، نگرانی کشورها را از کمبودهای احتمالی در مقابل با کرونا بیشتر می‌کند و دولت‌ها را مجبور به اجرای سیاست‌هایی چون

قرنطینه اجباری و تعطیلی مراکز دولتی و سازمان‌های خصوصی می‌کند که اثرات اقتصادی خود را به مرور بر این کشورها برجای خواهد گذاشت. این اتفاق بر زنجیره تأمین بسیاری از کشورها از جمله دو موتور اقتصاد جهان یعنی چین و آمریکا تأثیر منفی گذاشته و کارخانه‌ها را با کمبود مواد اولیه و تجهیزات تولید روبه‌رو کرده است. کشورهای صادرکننده دارو و تجهیزات پزشکی نیز همچون آلمان اکنون به دلیل ترس دولت‌ها از کمبود، سیاست ممنوعیت صادرات را در پیش گرفته و اعتبار اقتصادی خود را فدای سلامت مردم خود کرده‌اند. این امر می‌تواند زنجیره تأمین جهانی را دچار تحول کند. آنچه بدیهی است اینکه تاکنون همه ظرفیت‌های کشور روسی در مقابل با تهدیدهای بحران کرونا متمرکز شده، اما این بحران در کنار همه خساراتی که به اقتصاد ایران وارد کرده، می‌تواند شامل فرصت‌هایی باشد که هرگز امکان بهره‌مندی از آن وجود نداشته است. در ادامه به‌طور مفصل به این ظرفیت‌ها و فرصت‌های پیش‌روی اقتصاد ایران پرداخته‌ایم.

فاتحان نبرد کرونایی چه کسانی هستند؟

در این روزها بحرانی که به‌تدریج از شرق به غرب راه یافت و کشورهای غربی را با مشکلات بحران سختی مواجه کرد، به ترتیب از کشورهای شرقی رخت می‌بندد و بار خود را بر دوش غربی‌ها می‌اندازد. بنابراین کشورهای شرقی با دوره تنفسی مواجه می‌شوند که می‌توانند در این دوره خود را احیا کرده و بخشی از بازارهای صادراتی کشورهای غربی را به تصاحب درآورند. این بهترین فرصت برای شرقی‌هاست، همان‌گونه که غرب در بحران‌ها دوره طلایی تمدن خویش را بنا کرد، امروز همین فرصت برای کشورهای شرقی فراهم شده است و هر کشوری که از این بحران به‌نینه استفاده کند، فاتح نبرد خواهد بود. شکی نیست که در این بحران، جهانی‌سازی اگر نگوئیم نابودی می‌شود لکن ضربه عظیمی خواهد خورد. برای مثال هند و آلمان، صادرات دارو و تجهیزات پزشکی را به دیگر کشورها از جمله آمریکا متوقف کرده‌اند. در این دوره کشورهای که اقتصادهای درون‌گرای دارند و زنجیره ساخت و پردازش کالاها را در خود دارند از خطرات بحران اقتصادی مصون خواهند ماند، اما کشورهایی که زنجیره تأمین آنها جهانی است، ضربه سختی خواهند خورد. بسیاری از کارخانه‌های داروسازی، قطعه‌سازی و وسایل الکترونیکی در کشورهای آمریکا، هند و آلمان به دلیل تعطیلی کارخانه‌های تأمین مواد اولیه خود در چین، دچار مشکلات شدیدی شده‌اند.^(۱)

متأسفانه این بحران نه‌تنها به زنجیره تأمین کالاهای صنعتی آسیب وارد کرده، بلکه سیاست‌های ملی بسیاری از کشورها را به سمت جلوگیری از صادرات کالاهای کشاورزی سوق داده است. برای مثال براساس گزارشی از بلومبرگ، قزاقستان که یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گندم است، صادرات گندم، آرد، پياز، هویج و سیب‌زمینی را ممنوع کرده، ویتنام نیز که سومین تولیدکننده و صادرکننده برنج است نیز از امضای قراردادهای صادرات برنج خودداری و حتی روسیه را نیز تهدید به ممنوعیت صادرات گندم خویش کرده است. پیش‌بینی می‌شود در هفته‌ها و ماه‌های آینده که ویروس کرونا در اکثر کشورها اوج بگیرد، این ممنوعیت‌ها شدت بگیرد. در انگلیس، بسیاری از مزارع پیشرو اقدام به افزایش تعداد کارگران در جهت تولید هرچه بیشتر محصولات کشاورزی در کوتاه‌مدت کرده‌اند. سازمان‌هایی که نمایندگی مالکان زمین و کارگران را برعهده دارند، مانند اتحادیه کارگری انگلیس ضمن نامه‌ای درخواست ۹/۳ میلیون پوند حمایت مالی برای استخدام کارگران بیشتر و تولید میوه و سبزیجات بیشتر در طول دوره ویروس کرونا کرده‌اند.^(۲)

یکی دیگر از مشکلات عمده کشورهای اروپایی، کمبود نیروی کار فصلی برای کار روی مزارع است. مهم‌ترین دلیل این موضوع، ممنوعیت ورود اتباع خارج از کشور است که بخش مهمی از کارگران مزارع را تشکیل می‌دهند. در همین زمینه، پیش‌بینی‌ها کاهش تولید سبزیجات و میوه‌های تولیدی در کشورهای درگیر کرونا را نشان می‌دهد.^(۳) به همین دلیل صادرات مواد غذایی و محصولات کشاورزی از کشورهای اروپایی کاهش عمده‌ای خواهد یافت.

در این روزها بحرانی که به‌تدریج از شرق به غرب راه یافت و کشورهای غربی را با مشکلات بحران سختی مواجه کرد، به ترتیب از کشورهای شرقی رخت می‌بندد و بار خود را بر دوش غربی‌ها می‌اندازد. بنابراین کشورهای شرقی با دوره تنفسی مواجه می‌شوند که می‌توانند در این دوره خود را احیا کرده و بخشی از بازارهای صادراتی کشورهای غربی را به تصاحب درآورند. این بهترین فرصت برای شرقی‌هاست، همان‌گونه که غرب در بحران‌ها دوره طلایی تمدن خویش را بنا کرد، امروز همین فرصت برای کشورهای شرقی فراهم شده است و هر کشوری که از این بحران به‌نینه استفاده کند، فاتح نبرد خواهد بود. شکی نیست که در این بحران، جهانی‌سازی اگر نگوئیم نابودی می‌شود لکن ضربه عظیمی خواهد خورد. برای مثال هند و آلمان، صادرات دارو و تجهیزات پزشکی را به دیگر کشورها از جمله آمریکا متوقف کرده‌اند. در این دوره کشورهای که اقتصادهای درون‌گرای دارند و زنجیره ساخت و پردازش کالاها را در خود دارند از خطرات بحران اقتصادی مصون خواهند ماند، اما کشورهایی که زنجیره تأمین آنها جهانی است، ضربه سختی خواهند خورد. بسیاری از کارخانه‌های داروسازی، قطعه‌سازی و وسایل الکترونیکی در کشورهای آمریکا، هند و آلمان به دلیل تعطیلی کارخانه‌های تأمین مواد اولیه خود در چین، دچار مشکلات شدیدی شده‌اند.^(۱)

متأسفانه این بحران نه‌تنها به زنجیره تأمین کالاهای صنعتی آسیب وارد کرده، بلکه سیاست‌های ملی بسیاری از کشورها را به سمت جلوگیری از صادرات کالاهای کشاورزی سوق داده است. برای مثال براساس گزارشی از بلومبرگ، قزاقستان که یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گندم است، صادرات گندم، آرد، پياز، هویج و سیب‌زمینی را ممنوع کرده، ویتنام نیز که سومین تولیدکننده و صادرکننده برنج است نیز از امضای قراردادهای صادرات برنج خودداری و حتی روسیه را نیز تهدید به ممنوعیت صادرات گندم خویش کرده است. پیش‌بینی می‌شود در هفته‌ها و ماه‌های آینده که ویروس کرونا در اکثر کشورها اوج بگیرد، این ممنوعیت‌ها شدت بگیرد. در انگلیس، بسیاری از مزارع پیشرو اقدام به افزایش تعداد کارگران در جهت تولید هرچه بیشتر محصولات کشاورزی در کوتاه‌مدت کرده‌اند. سازمان‌هایی که نمایندگی مالکان زمین و کارگران را برعهده دارند، مانند اتحادیه کارگری انگلیس ضمن نامه‌ای درخواست ۹/۳ میلیون پوند حمایت مالی برای استخدام کارگران بیشتر و تولید میوه و سبزیجات بیشتر در طول دوره ویروس کرونا کرده‌اند.^(۲)

یکی دیگر از مشکلات عمده کشورهای اروپایی، کمبود نیروی کار فصلی برای کار روی مزارع است. مهم‌ترین دلیل این موضوع، ممنوعیت ورود اتباع خارج از کشور است که بخش مهمی از کارگران مزارع را تشکیل می‌دهند. در همین زمینه، پیش‌بینی‌ها کاهش تولید سبزیجات و میوه‌های تولیدی در کشورهای درگیر کرونا را نشان می‌دهد.^(۳) به همین دلیل صادرات مواد غذایی و محصولات کشاورزی از کشورهای اروپایی کاهش عمده‌ای خواهد یافت.

۸ فرصت جهان کرونایی برای اقتصاد ایران

علیه کشورمان را نقش برآب کند. افزایش بودجه‌های بازارهای بین‌المللی محصولات ایرانی و افزایش راپرتان بازرگانی ایران در بازارهای بین‌المللی کشورهای غربی. به دلیل احتمال سقوط دلار و یورو به دلیل اثرات ناشی از بحران اقتصادی، توصیه می‌شود ذخایر ارزی ایران در دیگر کشورها به ارزش‌های باثباتی چون یوان یا به دارایی‌های فیزیکی چون طلا و کالاهای ارزشمند تبدیل شده و به کشور آورده شود. با توجه به اینکه احتمال تورم افسارگسیخته در اقتصاد جهانی و به خصوص کشورهای غربی افزایش یافته، توصیه می‌شود تمام مبادلات ایران از این پس با یوان چین که ارزی با ثبات‌تر است، انجام شود. همچنین با توجه به افزایش احتمال سقوط نظام مالی جهان، پژوهشگران اقتصادی باید در این حوزه وارد شده و پژوهش‌های لازم را به عمل آورند.

با مقدماتی که در بالا گفته شد، اکنون بدون توضیحات بیشتر، فرصت‌هایی که در شرایط فعلی اقتصاد جهان برای اقتصاد کشورمان فراهم شده را به‌طور مختصر و موردی بیان می‌کنیم. لزوم توجه به صادرات کالاهای و تجهیزات بهداشتی، دارویی و پزشکی مانند دستمال‌توالیت، لوازم بهداشت جنسی، ماسک، مواد ضدعفونی‌کننده، کیت‌های آزمایش کرونا و دستگاه‌های تنفس مصنوعی مازاد نیاز، به دیگر کشورها. به دلیل شرایط بحرانی در جهان، تحریم‌های ایران می‌تواند در جهت تأمین نیاز کشورهای غربی کم‌رنگ‌تر شده و بخشی از زیان‌های تحریم این مدت، جبران شود. مشتریان محصولات کشاورزی کشورهای اروپایی و آسیایی که صادرات محصولات خود را ممنوع کرده‌اند، شناسایی و مازاد تولید خود را به این مشتریان به فروش برسانیم. طبق آماري که وزارت کشاورزی در سال گذشته اعلام کرد ما در چندین محصول کشاورزی، از جمله سیب، مرکبات، گندم و سیب‌زمینی، به دلیل ترسالی و برداشت بالای این محصولات، با مشکل افزایش عرضه و نبود تقاضا مواجه هستیم که در وضعیت فعلی می‌توانیم بازارهای بیشتری برای محصولات خود بیابیم و صادرات محصولات کشاورزی را رونق بدهیم. فعال کردن ظرفیت‌های کارخانه‌های کشور به‌خصوص کارخانه‌های تولید دارو و تجهیزات پزشکی مرتبط با کرونا و بازگرداندن آنها به چرخه تولید، علی‌رغم توصیه‌های بهداشتی و جلوگیری از به‌گل نشستن این ظرفیت عظیم در فرصت طلایی دوره کرونا.

- ***
- منابع:
- 1-<https://www.mashreghnews.ir/news/1055017>
 - 2-<https://www.tasnimnews.com/fa/2222281/23/12/news/1398>
 - 3-https://unctad.org/en/Docs/webdiaeia20091_en/businesspdf/26/03
 - 4-<https://www.nytimes.com/2020/economy/fed-coronavirus-stimulus.html>
 - 5-<https://www.mizanonline.com/fa/news/594328>
 - 6-<https://www.magiran.com/article/4019082>
 - 7-<https://www.theguardian.com/global-development/2020/mar/26/coronavirus-measures-could-cause-global-food-shortage-un-warns>
 - 8-<https://www.foodnavigator.com/Coronavirus-impact-on-labour-18/03/Article/2020-supply-fuels-food-shortage-fears>

نظامی و سخت به‌مثابه گفتمان حاکم بر اقتصاد سیاسی جهانی، دیپلماسی سنتی را ناکارآمد و توجه به ابعاد نوین قدرت و دیپلماسی را ضروری ساخته است. به هر اندازه که دستگاه تصمیم‌گیری سیاست خارجی یک کشور خود را برای بازیگری در عرصه قدرت نرم و رقابت اقتصادی آماده کند، به همان اندازه از دیپلماسی سنتی و نگاه کلاسیک به قدرت و سیاست فاصله می‌گیرد. تعامل با ساختارهای جهانی تجارت، تولید، سرمایه‌داری و تکنولوژی، توان تعیین دست‌سازگار نهادها و رژیم‌های بین‌المللی و در پیش گرفتن دیپلماسی نوین از مولفه‌های تعیین‌کننده قدرت کشورها در حوزه نرم‌افزاری اقتصاد سیاسی جهانی محسوب می‌شود. دیپلماسی اقتصادی به آن بخش از فعالیت‌های اقتصادی در روابط خارجی یک دولت اطلاق می‌شود که بر شناسایی و ایجاد فرصت‌های اقتصادی به‌ویژه در حوزه به‌کارگیری فرصت‌ها و مزیت‌های جهانی و کسب سهمی در بازارهای صادراتی برای تولید داخلی تأکید دارد. اهداف دیپلماسی اقتصادی را از این منظر می‌توان به شرح زیر برشمرد: ۱- دسترسی به بازارهای جهانی تولید، تجارت و کسب سهمی از آنها؛ ۲- جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم و غیرمستقیم خارجی و ۳- محافظت از اقتصاد ملی در مقابل چالش‌های اقتصاد جهانی. در ادامه هشت راهکار برای مواجهه اقتصاد ایران با جهان پساکرونایی پیشنهاد داده‌ایم که موفقیت آنها، همگی به توسعه دیپلماسی اقتصادی وابسته است.

کرونا نظم اقتصادی جهان را تغییر می‌دهد

تعطیلی گسترده و رکود در وضعیت فعلی و آینده، پیش‌بینی دولت‌ها و سازمان‌ها از رشد اقتصادی آینده جهان تعدیل شده است و به همین دلیل، ترس گسترده‌ای بین سهامداران کشورهای درگیر بحران، از تجربه دوباره بحران مالی سال ۲۰۰۸ ایجاد شده است. در چند هفته اخیر، بورس‌های معروف جهانی و شاخص‌های مالی جهان از جمله نیک‌کی ژاپن، نزدک، داو جونز، شانگهای و... افت‌های شدیدی را تجربه کرده‌اند.^(۱) فدرال رزرو، برای نخستین‌بار طی ۱۵۰ سال گذشته نرخ بهره خود را به صفر رسانده است و با تزریق چهار تریلیون دلار سعی کرد که ثبات را به بازارهای مالی برگرداند که این اقدام در نوع خود بی‌سابقه است.^(۲)

با این حال، این تنها مشکلی نیست که آمریکا با آن دست و پنجه نرم می‌کند. بدهی‌های آمریکا از سال ۲۰۰۹ تاکنون بیش از دوبرابر شده است. بدهی ۲۲ تریلیون دلاری آمریکا باعث شده نسبت بدهی به تولید ناخالص ملی این کشور افزایش یافته و ریسک این اوراق برای خریداران آن نسبت به نرخ بازده آن نیز افزایش یابد. در نتیجه فدرال رزرو نیاز دارد بهره بیشتری را برای تمایل خریداران به دریافت این اوراق عرضه کند. لکن با صفر شدن نرخ بهره بانکی در بلندمدت، بانک‌ها که بزرگ‌ترین دارندگان اوراق قرضه در آمریکا هستند به سمت فروش بخشی از اوراق قرضه خود خواهند رفت و بانک مرکزی آمریکا باید برای خرید این اوراق، دلار بیشتری تولید کند و این خود کاهش هرچه بیشتر ارزش دلار آمریکا را رقم خواهد زد.

این رکود اقتصادی که شدیدترین رکود پس از جنگ جهانی دوم نامیده شده است، با توجه به وضعیت اقتصادی نابسامان آمریکا، در صورتی که سیستم اقتصادی و مالی این کشور نابود نکند، حداقل می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری بر سلطه اقتصادی آمریکا در جهان وارد کند و بسیاری از اهرم‌های اقتصادی این کشور را در مقابل با دیگر کشورهای جهان از بین ببرد.

برخی تحلیلگران مطرح سیاسی در جهان، بر مرگ جهانی شدن پس از پایان بحران کرونا تأکید کرده‌اند. از جمله اندیشمندان که بر این قضیه تأکید کرده‌اند، ریچارد هاس، رئیس اندیشکده شورای روابط خارجی آمریکا است. وی اخیراً گفته است که: «بحران ویروس کرونا حداقل تا چند سال اکثر کشورهای را به سمت داخل متمایل خواهد ساخت و موجب خواهد شد کشورهای بیشتر روی آنچه در درون مرزهایشان اتفاق می‌افتد، متمرکز شوند.» وی به دنبال آسیب بیشتر کشورها از مشکلات اقتصادی ناشی از کرونا گفته است: «... تمایل یا تعهد کمتری نسبت به مقابله با مسائل منطقه‌ای یا جهانی (از جمله تغییرات اقلیمی) با توجه به نیاز استثنای مبنی بر تخصیص منابع جهت احیای امور در داخل و مقابله با پیامدهای اقتصادی بحران مشاهده خواهد شد. بسیاری از کشورهای در زمینه بهبودی به مشکل خواهند خورد و ضعف دولت و فروپاشی دولت‌ها حتی متداول‌تر خواهد شد...»

برخی دیگر از تحلیلگران از جمله جان آرن، رئیس اندیشکده بروکینگز، سخن از تغییر در ساختار قدرت بین‌المللی را به میان آورده و گفته است این بحران از فعالیت‌های اقتصادی کشورها می‌کاهد و تنش میان کشورهای را افزایش می‌دهد. در بلندمدت همه‌گیری بیماری احتمالاً از ظرفیت تولیدی اقتصاد جهانی به میزان قابل‌توجهی می‌کاهد. نظام بین‌المللی به نوبه خود تحت‌فشار زیادی قرار می‌گیرد و این امر به بی‌ثباتی و کشمکش‌های گسترده در درون و در میان کشورها می‌انجامد.^(۳)

نه‌تنها انتقال قدرت، بلکه انتقال ثروت نیز در شرایط بحران‌ها دور از انتظار نیست، زیرا سیستم مالی جهان نیز نیاز پیش‌بینی برخی اقتصاددان‌های مطرح جهان چون مایکل ملونی در بحرانی دوباره چون بحران مالی سال ۲۰۰۸ فرو خواهد پاشید و نکته مهم اینجاست که به گفته اکثر تحلیلگران، اثرات بحران کرونا به مراتب سخت‌تر از بحران مالی ۲۰۰۸ خواهد بود!

افزایش دوره قرنطینه در دنیا، ریسک رکود اقتصادی را در جهان افزایش داده است؛ ریسکی که از چشم رئیس‌جمهور تاجر آمریکا، دور نمانده و علناً از خطرات تبدیل بحران کرونا به بحران اقتصادی گسترده یاد می‌کند. همان اتفاقی که در سال ۲۰۰۸ افتاد و بحران مالی در جهان، بحران اقتصادی ایجاد کرد و اقتصاد دنیا را برای مدتی در رکود فرو برد. یکی از اثرات میان‌مدت بحران‌های اقتصادی، این است که سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در کشورهای توسعه‌یافته کاهش یافته و سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه افزایش می‌یابد. بنا بر آمار UNCTAD، در بحران سال ۲۰۰۷-۲۰۰۸ میزان FDI بالغ بر ۴۰۰ میلیارد دلار معادل ۳۲ درصد کاهش را در کشورهای توسعه‌یافته تجربه کرد که بیشتر آن سرمایه‌گذاری در کشورهای اروپایی بودند و از طرف دیگر سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه ۳/۶ درصد افزایش یافته و به بیش از ۵۱۷ میلیارد دلار رسید.^(۴) بنا بر این، رکود اقتصادی هرچند در کوتاه‌مدت می‌تواند به بسیاری از کشورهای جهان لطمه‌های شدید اقتصادی وارد کند، اما کشورهایی که بتوانند از فرصت‌های این بحران، بهره‌برند، می‌توانند رشد قدرتمندی را در اقتصاد خود رقم بزنند.

بنابراین بحران، تبدیل به رقابت بر سر قدرت و ثروت بین ابرقدرت‌های جهان شده است و فاتح، کسی است که تاب‌آوری بیشتری در مقابل این بحران داشته باشد و خود را برای این روزها آماده کرده باشد. فراموش نکنیم که روزهای طلایی اقتصاد آمریکا نیز در بحران‌های جنگ جهانی اول و دوم رقم خورد و ورق اقتصاد جهان با هوشمندی آمریکایی‌ها و موقعیت خاص استراتژیک‌شان به نفع آنها برگشت.

پس از بحران سال ۲۰۰۸ بسیاری از سیاست‌های اقتصادی خودتحمولی ایجاد کردند، از جمله آنها تلاش برای خلاصی از سیستم مالی مبتنی بر دلار و گسترش پیمان‌های پولی دوجانبه و بازگشت به ارزهای با پشتوانه طلا بود. در همین راستا چین از سال ۲۰۰۹ تصمیم به افزایش ذخایر طلای خود گرفت و سعی کرد نقطه اتکالی به جز دلار برای ارز خود ایجاد کند که کمتر تحت‌تأثیر بحران‌ها قرار بگیرد. چین در خلال دو بحران مالی ۹۹-۹۸ و ۲۰۰۹-۲۰۰۸ توانست بیشترین پایداری را در مقابل بحران داشته باشد. یکی از مهم‌ترین دلایل این قضیه، نظام مالی بسیار پیشرفته این کشور است.

دیپلماسی اقتصادی، راهکار محوری اقتصاد ایران در جهان کرونایی

تقریباً تصویری از وضعیت آنچه با شیوع کرونا در اقتصاد جهانی رخ داده را ترسیم کردیم. اما حال این سوال پیش می‌آید که نوع مواجهه ایران با تحولات جدید و جهان کرونایزده چگونه باید باشد. براساس آنچه در ادامه توضیح داده می‌شود، به نظر می‌رسد با تحولاتی که در جهان پساکرونایی اتفاق افتاده، راه‌حل و ابزار محوری اقتصاد ایران در این مواجهه، دیپلماسی اقتصادی است. طبق تعاریف، دیپلماسی اقتصادی ابزار نوین، کارآمد و قدرتمند کنش در نظام اقتصاد جهانی به شمار می‌رود که در مقابل دیپلماسی سنتی قرار می‌گیرد. اساساً شکل‌گیری دیپلماسی اقتصادی را می‌توان پاسخی به کاستی‌ها و محدودیت‌های دیپلماسی سنتی در تحقق اهداف و منافع دولت‌ها در ساختار نوین اقتصاد جهانی تلقی کرد. پیش‌نویس تئوریک مفهوم دیپلماسی اقتصادی حکایت از آن دارد که اولاً اقتصاد بر سیاست تقدم دارد. ثانیاً اینکه دستیابی به قدرتمندی و توسعه اقتصادی در گرو رویکرد پروتگرا و در تعامل با اقتصاد جهانی است. طبیعتاً مفهوم دیپلماسی اقتصادی بیشتر دغدغه و رویکرد کشورهای را در برمی‌گیرد که می‌خواهند در چارچوب راهبرد دوم و در تعامل با نظام اقتصادی جهانی و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و روندهای فراملی در کنار امکانات و منابع ملی به اهداف توسعه‌ای خود دست یابند. در این چشم‌انداز دغدغه ساختار تولید داخلی، ظرفیت‌سازی برای بازارهای جهانی است و در اینجا است که دیپلماسی با نگاه و صبغه اقتصادی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. تقدم و اولویت قدرت نرم، پیشرفت اقتصادی و انسجام فرهنگی در قیاس با مسائل سیاسی

تقریباً تصویری از وضعیت آنچه با شیوع کرونا در اقتصاد جهانی رخ داده را ترسیم کردیم. اما حال این سوال پیش می‌آید که نوع مواجهه ایران با تحولات جدید و جهان کرونایزده چگونه باید باشد. براساس آنچه در ادامه توضیح داده می‌شود، به نظر می‌رسد با تحولاتی که در جهان پساکرونایی اتفاق افتاده، راه‌حل و ابزار محوری اقتصاد ایران در این مواجهه، دیپلماسی اقتصادی است. طبق تعاریف، دیپلماسی اقتصادی ابزار نوین، کارآمد و قدرتمند کنش در نظام اقتصاد جهانی به شمار می‌رود که در مقابل دیپلماسی سنتی قرار می‌گیرد. اساساً شکل‌گیری دیپلماسی اقتصادی را می‌توان پاسخی به کاستی‌ها و محدودیت‌های دیپلماسی سنتی در تحقق اهداف و منافع دولت‌ها در ساختار نوین اقتصاد جهانی تلقی کرد. پیش‌نویس تئوریک مفهوم دیپلماسی اقتصادی حکایت از آن دارد که اولاً اقتصاد بر سیاست تقدم دارد. ثانیاً اینکه دستیابی به قدرتمندی و توسعه اقتصادی در گرو رویکرد پروتگرا و در تعامل با اقتصاد جهانی است. طبیعتاً مفهوم دیپلماسی اقتصادی بیشتر دغدغه و رویکرد کشورهای را در برمی‌گیرد که می‌خواهند در چارچوب راهبرد دوم و در تعامل با نظام اقتصادی جهانی و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و روندهای فراملی در کنار امکانات و منابع ملی به اهداف توسعه‌ای خود دست یابند. در این چشم‌انداز دغدغه ساختار تولید داخلی، ظرفیت‌سازی برای بازارهای جهانی است و در اینجا است که دیپلماسی با نگاه و صبغه اقتصادی معنا و مفهوم پیدا می‌کند. تقدم و اولویت قدرت نرم، پیشرفت اقتصادی و انسجام فرهنگی در قیاس با مسائل سیاسی